## همدردى تن

  پيامبر الله صلى الله عليه وسلم فرموده است:"مثل المؤمنين في توادهم و تراحمهم و تعاطفهم مثل الجسد الواحد إذا اشتكى منه عضو تداعى له سائر الأ‘ضاء بالسهر و الحمى" (رواه البخارى)
يعنى: "مومنان چون تن در رحم كردن و همدردى ايشان است اگر يك عضو را از دردى شكايت كرد همه تن برايش احساس درد و بى خوابى مى كند" (بخارى ومسلم وغير از ايشان آنرا نقل كردند)    حقيقت علمى:
پژوهش هاى علمى انبوهى و پى در پى حقيقت هاى عالى را از تأثير متقابل اعضاى بدن بر روى همديگر هنگامى خطرات چون پيدايش زخم يا ناخوشى كشف كرده است سپس خط هاى دفاعى و پذيرش هاى وظيفه اى كه در اثناى پيدايش ناخوشى يا زخم ها در تن صورت مى گيرد و آن پذيرش ها با درجهء درد كش عضو تطابق پشت سر هم يابد كه تن تواناها و وظيفه هاى خود بهمين قدر سخت و شدت پيدايش ناخوشى يا زخم توجه مى كند تا شفاى تمام را پيدا كند پس در حالى كه يك عضو مثلاً ناخوشى يازخم را پيدا كند نقطه هائى درمغز هست اين نقطه ها غدهء مخاطى را ميانگيزد تا يك هرمون را ترشح كند. سپس اين هرمون غده هاى بى مجرا را بيانگيزد تا ماه هائى ترشح كند اين ماده هاى ترشح شده همهء اعضاى تن را ميانگيزد تا توان  هاى خود را براى كمك عضو شاكى بكارگيرى كند و احساس دردكشى تن بمعنى آنستكه تن توان هاى خود را براى خدمت عضو شاكى اختصاص دهد پس دل مثلاً براى افزونى سرعت گردش خون بيافزايد در حاليكه رگهاى خون باجزوه هاى بى درد از تن در هم جمع شود. و رگهاى خون دور عضو بيمارى يا رنج وسيع تر شود. تا آنچه را بدان احتياج دارد از اكسجين و جرم هاى مختلف و هرمون ها و اسيد هاى آمنيهء سازگار برايش ببرد. پس احساس درد كشى يعنى پوسيده و فرو پا شيده بشود. كه جمع آورده اش از پيه را منهدم سازد. تا آنچه عضو بيمار يا زخم دار احتياج دارد از خود بنفع آن بدهد تا بر ناخوشى كنترل شود و پرده هاى تن التيام شود. سپس تن خود را باز سازى كند پس نشانه هاى كه از رنج فرستاده مى شود عبارت از شكوه ها و كمك طلبى هاى حقيقى باعث به بسيج عمومى بشود.  سپس تپش هاى عصبى از جاى پيدايش ناخوشى يا زخم به مغز چون نقطه هاى احساس و كنترل غير ارادى شروع شود. و ماده هاى شيميايى با اولين چكيدهء خونى كه از زخم يا پرده اى كه پاره شود فرستاده شود و همهء اعضاى تن هريك بنا بر تخصص خود پاسخ آنرا مى دهد و نتجه اين توانائى هاى تن انسانى و نقش هايش را براى كمك اين عضو بيمار يا زخمدار بكارگيرى شود.
جهت معجزه  گرى:
تلفظ حديث آنستكه از نظر پزشكى صورت مى گيرد كه اجزاى تن همديگر با همهء معانى احساس درد كشى در زبان عربى دعوت مى كند چون پيامبر محمد صلى الله عليه وسلم خبر مى دهد با آنجا بايد حال ملت اسلامى از دوستى، مهربانى و همدردى باشد و اين با مثل زنى به تن يكتااست هنگامى كه يك عضو از اعضايش شكايت كند پيامبر اكرم روشن داد كه همهء تن براى آن عضو شاكى احساس درد كشى مى كند درست تراز واژةء احساس درد كشى براى توصيف آنچه در تن وقتى كه يكى از اعضايش شكايت مى كند، نيست. همچنين توصيف در ساخت يك جمله شرطى كوتاه شد و فعل شرط در آن (شكايت كرد) و جواب شرط در آن (احساس دردكشى كرد) است. پس معجزه گرى علمى زبانى و بلاغى در همين حال بود چون حقيقت آنچه درون تن انسانى صورت مى گيرد و چون هيچ چشم نتواند آنر ملاحظه كند و بكارگيرى واژه هاى جامعى كه حقيقت آنچه صورت گيرد را با تمام معانى بكاربرده در زبان و با روشى تشبيهى معنى را در مغز تن مى دهد پس عجب است كه پزشكان براى دستگاه اعصابى كه درحالى كه تن مورد  خطر يا ناخوشى قرار گيرد متاثر شود نامى را بكار ببرند و بدان نام حقيقت آنچه اين دستگاه مى كند توصيف كردند و ترجمه تحت اللفظى اين نام دوست دار ومهربان وهمدرد است و اين معنى همين نامى كه پيامبر صلى الله عليه وسلم درحديث خود بكار برد پس پاك و منزه است الله كه پيامبر خود باهدايت ودين حق.